روزنامه سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی، ورزشی صبح ایران • صاحب امتیاز و مدیرمسئول: مهدی رحمانیان • نشانی: میدان آرژانتین،خیابان الوند، کوچه آرشیا، پلاک ۶ • تلفن: ۹۲و۸۸۶۵۴۳۹۰ • نمابر: ۸۸۸۸۰۷۱۹ • تلفن آگهی‌ها: ۸۸۱۹۲۸۷۷ • تلفن امور مشترکین: ۸۸۲۰۹۵۹۳ • توزیع: شرکت‌پیام‌رسان سبز تلفن: ۵- ۶۶۲۷۲۱۳۰ • چاپ: گلریز تلفن: ۶۶۷۹۵۴۴۲

روزنامه شرق

www.sharghdaily.ir

چهارشنبه • ۲ اسفند ۱۳۹۶ • ۴ جمادی‌الثانی ۱۴۳۹ • ۲۱ فوریه ۲۰۱۸ • سال پانزدهم • شماره ۳۰۹۱ • ۱۶ صفحه

اذان ظهر تهران ۱۲:۱۸ • اذان مغرب ۱۸:۱۰ • اذان صبح فردا ۵:۲۰ • طلوع آفتاب ۶:۴۳

روزنامه فردا

fardashargh@gmail.com

حرف درشت

خلاصه وضعیت: شلم شوربا

پوریا عالمی

● مـا دیـروز مثل هـر ایرانی وطن‌دوسـتی قصد داشـتیم چند روز تعطیلی برویم خارج تا قدر وطن را بیشتر بدانیم، اما چه شد؟

۱- ما از یک سایت اینترنتی بلیت و هتل گرفتیم که گفت خدمات ۲۴ ساعته دارد، ولی از ساعت ۱۲ شب تا ۸ صبح هرچی زنگ می‌زدی، کسی گوشی را برنمی‌داشت. ما اول ناراحت شدیم. بعد فهمیدیم معنـی خدمات ۲۴ سـاعته یعنی کلا ۲۴ سـاعت خدمات پس از فروش!

۲- درواقع مـا فکر کردیم با زورق به دریا زدیم. بعد فهمیدیم زورق، زرورق بوده و مثل تایتانیک به امان خدا در گرداب فرودگاه رها شدیم!

۳- وقتی پرواز قشم‌ایر بعد از چندساعت تأخیر روی باند، کنسـل شد، خلبان با حوصله وضعیت را شـرح داد و گفت نمی‌توانیم پرواز کنیم، چون جان مردم در خطر اسـت. بعضی از مـردم در هواپیما گفتند: «جان ما را ول کن! بلیت هتل و کنسـرتمان در خطر است!».

۴- وقتـی از هواپیمـا پیاده شـدیم، مسـئولان قشـم‌ایر گفتند بمانید تا ساعت هشت صبح برویم تفلیس. مردم گفتند باشه. بعد از نیم‌ساعت گفتند بروید شـب بیایید، شـاید ۱۱:۳۰ شب بشـود پرواز اضافه کـرد. مردم گفتند «بیا...» و سـپس پسـته تعارف کردند.

۵- در باقی دنیا اگر یک پرواز کنسـل بشود چه اتفاقی می‌افتد؟ ما متوجه شـدیم اینجا مردم چون نمی‌دانند تمام مسائلشـان را بـا دولت و حکومت کجا مطرح کنند، هرجا شد مطرح می‌کنند!

۶- طـرف می‌گفـت: «اینهـا دستشـون تو یه کاسه‌سـت... هم عوارض خروج از کشـور رو زیاد کردنـد...، هـم دلار رو گرون کردنـد...، هم هوا رو آلوده کردند...، هم شیر آشپزخانه ما چکه می‌کنه...، هم کنسرت رو ممنوع کردند...، الان هم الکی بلیت فروختند که پول ما رو بگیرند...». درواقع تصور این بود که یک نفر آن پشـت نشسته و دارد خون ما را در شیشه می‌کند.

۷- مردم می‌گفتنـد: «باقی جاهـا این‌موقع‌ها هتل و پرواز جایگزین می‌دهند به مردم». قشـم‌ایر می‌گفت شعر قشنگی خواندید.

۸- قشـم‌ایر گفت آقاجان، بـا همین «ته‌بلیت» بروید خانه، شـب «ته‌بلیت» دسـتتان باشد، بیایید سوار پرواز بعدی بشوید. مردم می‌گفتند اصلش را داده بودید دستمان سوارمان نکردید، از کجا معلوم با تهش سوار کنید؟

۹- از یک جایی به‌بعد مسـافران می‌گفتند اینها سـروته یک کرباس‌اند. آنها می‌گفتند سروته بلیت عیـن هم اسـت. از دور که نگاه می‌کردی سـروته جامعه یکی شده بود! و کسی به آن یکی «اعتماد» نداشت.

۱۰- این وسـط یکی می‌گفـت: «آقا بلیت من و خانـواده‌م رو کنسـل کنید بریم خونـه». چهار نفر پریدند روش که «سازشـکاااار... تررررسو... امثال تو هستند که اینها عادت کردند حق ما را بخورند».

۱۱- مسافران معتقد بودند حقشان خورده شده. قشـم‌ایر معتقد بود حـق آنها را کامـل نخورده و می‌تواند پس بدهد. مسـئله اینجا بود که «مفهوم حق» بـرای مردم و مسـئولان دولتی و خصوصی کامل هضم نشده! مردم می‌گویند حق ما خوردنی نیسـت، اما یک‌سـری از آنها می‌گوینـد حق یعنی همه‌چیز را بدهند به ما چون مسئول نیستیم!

مسـئولان خصوصی می‌گویند حـق که هضم بشود، تمام شده و رفته و نهایت می‌شود کمپوست!

مسـئولان دولتـی می‌گویند نه‌تنهـا حق مردم خوردنی نیست، بلکه از بین هم نمی‌رود.

۱۲- در فـرودگاه چندسـاعت بین مسـافران با مأموران، بین مأموران با مسـئولان، بین مسافران با مسئولان و در نهایت بین مسافران با مسافران بحث و دادوبیـداد و دعوا راه افتاد و در نهایت قضیه حل نشـد. مسـئله این اسـت که ما (همه جامعه) نه بلدیم با هم حرف بزنیم، نه به هم اطمینان داریم، نه آرامش فکـری داریم، نه امنیت اقتصادی داریم و نه هنوز شـورای شهر جایی را مشخص و مصوب کرده به اسم «اعتراض‌دونی!» که مردم بروند توش اعتراض کنند. برای همین تا چیزی می‌شـود، سریع دعوا می‌شـود، دعوا هم که می‌شود، سریع چیزی پیش می‌آید.

۱۳- ما و یک پرواز هنوز معطلیم. چند نفر هنوز دارند آن گوشه می‌گویند چون کشور نفت دارد نباید پرواز کنسل شـود، چند نفر می‌گویند اگر خارج بود الان به مسـافرها علاوه‌بر جریمـه، هدیه هم داده بودند، چندتا مأمور هم در حال سـکته و سـکوت هستند، چندتا از مردم هم که بچه کوچک داشتند یا پیر بودند، دارند گریه می‌کنند از دسـت شانسشان و بلاتکلیفی، چندتا زن و شوهر دعواشان شد و دارند طلاق می‌گیرند. ما چی؟ ما هنوز انگشـت‌به‌دهان حیرانیم که کی ماست‌ها را ریخته توی قیمه‌ها.

۱۴- یـک آقایی هم آمد گفت استشـهاد من را امضا کنید. نوشـته بود او برای سفر به تفلیس پنج میلیون تومان خرج کرده تا آنجا با یک دختر پولدار آشنا شـود و ازدواج کند و بعد برود میلیاردر شود. به همین دلیل از مسـئولان تقاضـای یک میلیارد تومان غرامت دارد!

۱۵- فعلا شـما هم‌وطنان عزیز برای اسکان یک پرواز قشـم‌ایر در حیاط فرودگاه، چادر و کانکس و کیسـه‌خواب اهدایی بفرسـتید فرودگاه. البته یک پاتیل هم گل‌گاوزبون بیاورید تا خشم فروخورده ما مردم از هم کمی آرام شود.

کارتون خواب

علی رومانی

aliromani84@gmail.com

گردشگری فرهنگی

نقاش ساحل گامبرون

لیلی فرهادپور

نامش رحمت اسـت. جثه‌اش ریزتر از ۱۱ سال سـنش اسـت. با محمد و دو، سـه تـای دیگر از بچه‌های گامبرون، از مدرسه نرسیده، زده بودند به سـاحل و دوروبر اکیپ فیلم‌برداری، خیلی بی‌صدا و آرام، می‌پلکیدنـد. بخت زده بود و برای بازی در چند سـکانس از یک سـریال به بهترین جزیره دنیا (به نظـر من خب!) آمده بودم. سـکانس ما تمام شـد و گروه فیلم‌برداری جمع کردند و رفتند جایی دیگـر و من و یکی دیگر از بازیگران (که دیگر کاری نداشـتیم) ترجیح دادیم بمانیم همـراه بچه‌های گامبـرون. حـالا دور دور آنـان بـود کـه عجایب ساحلشان را با غرور به ما نشان دهند؛ با آن پاهای برهنه‌شـان. گامبرون روستایی اسـت با جمعیتی بالغ بر ۵۷۰ نفر در ۸۷کیلومتری شهرسـتان قشم کـه شـغل اهالی آن صیـادی اسـت و قایق‌های رنگی‌شـان در کنار سـاحل می‌رقصند تا شب شود و ناخداها به دریا بزنند. گامبرون چسـبیده به سلخ است و سـلخ روستایی اسـت در بخش شهاب از توابع جزیره قشـم در اسـتان هرمزگان. این روستا مرکز دهسـتان سلخ است. یک شرکت بزرگ گاز در روستای کوه‌زین (همین نزدیکی‌ها) گاز را می‌سازد و می‌فرسـتد آن‌ور آب‌ها و قشم گاز ندارد و در کنار خانه روسـتاییان پر است از سـیلندرهای گاز که تو را یاد دهه ۶۰ خودمـان در تهران می‌اندازد. جذر شده اسـت و رحمت و محمد ما را به وسط آب‌ها می‌کشانند که حالا آن‌قدر عقب رفته که قایق‌های پدر و عموهایشـان جا مانده باشد و جزیره کوچک دیگری پشت قایق‌ها سر درآورده از آب. کف خلیج فارس حالا پر اسـت از صدف و خرچنگ و سـتاره دریایـی و مرجـان؛ آن‌قدر رنگی اسـت که گاهی قطعـات رنگی پلاسـتیکی تورها که جـا مانده در کف دریـا را هم با صدفی رنگی اشـتباه می‌گیریم و رحمـت می‌خنـدد و می‌گوید: «این گوم اسـت! این کوف اسـت! این که کالینگ نیست». به صدف می‌گویند کالینگ و به آن پلاستیک‌ها می‌گویند گوم و کـوف. بعـد از صدمتری که دریا بـرای ما عقب رفته اسـت، تا چشم کار می‌کند، آب‌های لاجوردی می‌روند تا برسـند به لنج‌های وسـط دریا. رحمت نقاش اسـت. روی ماسـه‌ها نقش می‌کشـد. یک هواپیما کشـیده که از لای پنجره‌هایش گل‌هایی به آسمان آجری‌رنگ شن‌های ساحل پخش می‌شود؛ گل‌هایی به شـکل نقش‌ونگارهای حنا بر دسـت خواهر کوچکش سارا. صبح خبر سقوط هواپیمای یاسـوج به گـوش همه رسـیده اسـت و رحمت می‌گویـد هواپیما را دوسـت دارد و فقط آن را در آسمان دیده است. شب عروسی دارند. روستا رنگی است از لباس و چادرهای پر از زرق‌وبرق زنان ده و دست‌های تمام این زنان رنگارنگ، پر است از همان نقش‌ونگاری کـه رحمت دورتـادور هواپیمایش کشـیده و دریا بالا آمده و تمام گل‌های روی ساحل را همراه با هواپیمای رحمت در خود می‌کشد.

پیشخوان

● شـماره ۳۰ ماهنامه «زنان امروز» با گفت‌وگوی متفاوتی با فائزه هاشـمی در ۱۱۸ صفحه منتشـر شـده اسـت .عنوان گفت‌وگو این اسـت: «حق ما زنان را در سـینی تحویل نمی‌دهند»، روایتی از تلاش دختران برای حضور در ورزشـگاه هم با عنوان «ورود به مسـتطیل سبز» در کنار گفت‌وگو با خواهران کشمیری، از دیگر مطالب خواندنی این شماره است. بودجه چهل‌تکه زنان، مروری بر فعالیت‌های دسـتگاه‌های دولتی فعال در حوزه زنان، نظرسـنجی از فعالان شهری در زمینه جایـگاه عدالت جنسـیتی در بودجه شـهرداری تهران در کنار چنـد گفت‌وگو و گزارش هنری و مطالب علمی زنانه‌نگرانه، در این شماره ماهنامه است.

● گروه جامعه‌شناسی هنر انجمن جامعه‌شناسی ایران با همکاری انجمن علمی دانشجویی پژوهش هنر نشست «تماشای درد دیگران: زیبایی‌شناختی درد در عکاسی مستند» را برگزار می‌کند. در این نشست مروری بر عکس‌های مهسا احرابی‌فرد و عبدالله حیدری می‌شود. سخنرانان دکتر سارا شریعتی، دکتر محمدرضا مریدی و سـارا ساسـانی هستند. این نشست دوشنبه ۱۴ اسفند ۱۳۹۶ ساعت ۱۷ تا ۱۹ در بزرگراه جلال آل‌احمد، زیرپل گیشـا، دانشـکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران (جنب دانشـگاه تربیت مدرس) نیم‌طبقه دوم، سالن جلسات انجمن جامعه‌شناسی ایران برگزار می‌شود. ورود برای عموم آزاد است.

یادداشت

حق زندگی، حق طبیعی متهم

هوشنگ پوربابایی

حقوق‌دان

پیرو خبر اعلامی درگذشـت اسـتاد جامعه‌شناسی دکتر کاووس سـیدامامی که حسـب مسموع به اتهام جاسوسی در زندان دار فانی را وداع گفته و انتقادهای بسـیاری را از سـوی صاحب‌نظران، مقامات اجرائی و قضائـی برانگیخته، ذکر موارد زیر در جهت رسـیدگی ضروری است:

نکته اول اینکه باید دانسـت متهمی که دستگیر و طی قرار تأمین (در اینجا یعنی بازداشـت یا تحت نظر) قرار می‌گیرد، چه حقوقی دارد:

برابر قانون آیین دادرسـی کیفـری متهمی «تحت نظر» قلمداد می‌شـود که نزد (ضابط قضائی) به سر بـرده و قبل از حضور دادسـتان یا بازپـرس تحقیقات مقدماتی برابر مقررات قانونی آغاز می‌شود.

حقوق فرد تحت نظر برابر مقرره مذکور:

وی حـق دارد از عنوان اتهامی خود مطلع شـود. حق داشـتن وکیـل و ملاقات بـا او، اطـلاع خانواده تحت نظـر قرارگرفته از محل نگهـداری‌اش، معاینه توسط پزشـک در صورت ضرورت، ذکر مدت بازجویی. اسـتراحت میان بازجویی‌ها و... از دیگر حقوق اوست. بعد از آنکه دادستان یا بازپرس حاضر شود، با مداخله وی، ضابط دادگسـتری همه تحقیقات و اقدامات خود را به مقام قضائی تحویل دهد و او از مداخله (مگر در مواردی که دستور مقام قضائی باشد) منع می‌شود.

درصورتی‌کـه برابر مسـتندات و ادلـه موجود در پرونده، اتهامی متوجه متهم باشد، مقام قضائی ضمن تفهیم اتهام و ادله اتهام، نسـبت به صدور قرار تأمین اقدام می‌کند، طبیعی اسـت که چنانچه مقام قضائی درصورتی‌که اتهامی متوجه متهم نباشـد، مبادرت به صدور قرار کند یا آنکه اتهام و ادله اتهام با قرار صادره متناسب نباشـد مقام رسـیدگی‌کننده مرتکب تخلف انتظامی درجه چهار می‌شود؛ بنابراین مسئولیت او هم انتظامی و هم مدنی بوده و توسط ذی‌نفع قابل‌تعقیب است. حقوق متهمی که برابر قانون بازداشت شده نیز در قانون سـازمان زندان‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی کشور و آیین‌نامه سـازمان زندان‌ها مصوب ۸۴ تشریح شـده است. از جمله این حقوق می‌توان به استفاده از حق ملاقات، تماس تلفنی، استفاده از کتب و مجلات، جلسه مشـاوره پزشـکی و روان‌پزشکی، اسـتفاده از وسـایل بهداشـتی، تغذیه مناسـب و.... اسـتناد کرد. مطابق ماده ۲۰ آیین‌نامه یادشده، رعایت استانداردهای مورد نیـاز در زنـدان از هر حیث، از وظایف سـازمان زندان‌هاست، نظیر چنین استانداردهایی علاوه بر همه حقوق متهم به شرح پیش‌گفته شامل کارمند، مأموران انتظامی و مأموران مراقب وسـایل و لوازم و تجهیزات الکترونیکی برای مراقبت از زندانی است.

چنین حقوقـی، مأموران سـازمان زندان‌هـا را به تأمین حقوق او و مراقبت و محافظت از زندانی مکلف می‌کنـد. تقصیـر یا قصـور در اعمال مقررات توسـط مأموران و مقامات دولتی مشـمول مجازات مواد ۵۷۰ لغایت ۵۸۷ قانون مجازات اسـلامی بوده که ذی‌نفع می‌تواند با اثبات تقصیرات مأموران دولتی نسـبت به تعقیب اقدام کند؛ بنابراین باید پرونده و مستندات آن را به دقت مطالعه و در صورت انطباق تقصیر یا مأموران و قضات محاکم به یکی از موارد فوق نسبت به تعقیب فرد خاطی اقدام کرد.

اما چه کسـی می‌تواند موضوع را تعقیب کند؟ در پاسـخ به این سـؤال باید گفت جهات قانونی شـروع به تعقیب در ماده ۶۴ قانون آ.د.ک با شـکایت شـاکی یـا مدعی خصوصی آغاز می‌شـود، به عبارتی در فقره متهـم مرحوم، یکی از وراث (اعم از همسـر و فرزند) می‌تواند شکایت خود را طرح و تعقیب را آغاز کند.

وظیفه بازپرس یا مقام قضائی در موارد قتل و فوت عبارت است از:

- تحقیق از اشخاص مشارکت‌کننده در قتل، معاینه محل، دعوت از شـهود مطلعین، دعوت از کارشـناس پزشک، مهندس، داروساز... و صدور دستور جهت حفظ جسد، چگونگی و چرایی فوت وی و اخذ نظریه پزشک قانونی برای بررسـی علت تامه فوت و کالبدشکافی از جسد، بررسی علائمی که منتهی به فوت شده. مادامی که این اقدامات صورت نگرفته یا نظریه پزشکی قانونی برابر کالبدشـکافی و تشخیص دقیق علت فوق واصل نشده باشـد و برای بازپرس و اولیای دم اقناع وجدانی حاصل نشده باشد، دفن جسد با اشکال مواجه است.

درباره شـکایت یا تعقیب توسـط مقامات مسئول نیز بایـد گفت رئیس‌جمهور می‌توانـد برابر اصل ۱۱۳ قانون اساسی، چون پاسدار حقوق ملت است دستور و اخطار قانون اساسی بدهد، نمایندگان مجلس شورای اسـلامی با شـکایت ذی‌نفع می‌تواننـد موضوع را در دستور کار کمیسیون اصل ۹۰ قانون اساسی قرار دهند تا این کمیسیون با بررسی دقیق چنانچه تقصیر، قصور یا تخلفی را مشـاهده کرد، در گزارشی مراتب را به قوه قضائیه جهت تعقیب اعلام کند.

واکنش

اعتراض به شکستن سنگ قبر ابراهیم یزدی

این وضعیـت واقعا دردناک اسـت و هیچ توجیهی ندارد. هر روز بر تعداد افراد مشـهوری که سنگ‌قبرهایشـان شکسته می‌شـود اضافه می‌شـود، علت آن هم ارزیابی نشده است.

حالا نوبت به سـنگ قبر ابراهیم یزدی رسیده اسـت؛ مرد بزرگ تاریخ و سیاست ایران.

پیش‌تر خبر شکسته‌شـدن سـنگ قبر مدیـا کاشـیگر، احمـد شـاملو، فریدون فروغـی، همایون بهـزادی و محمدعلی سپانلو اعلام شـده بود. هرچند سرپرست سـازمان بهشـت زهرا (س) و شهرداری حرم مطهر امام (ره) گفته بود: «سـازمان بهشـت زهـرا (س) همـواره قـدردان هنرمندان و نام‌آوران اسـت و نسـبت به چنیـن رویدادهایـی در کمترین زمان ممکن واکنش نشان می‌دهد و نسبت به حل آن اقـدام می‌کند»، اما به نظر می‌رسـد باید هرچه‌سریع‌تر تدبیری در این زمینه اندیشید. در چند روز گذشته بسـیاری در شـبکه‌های اجتماعـی از ماجـرای شکسته‌شـدن سـنگ قبر ابراهیم یزدی ابراز ناراحتی کرده‌اند.